

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خليل الله ناظم باختری

همبورگ - جرمني

تنظیم و ویرایش: AA-AA

سفر دور قمر

به کابل جان نظر داری نداری؟
ز دستِ ظالمانِ خانه ویران
ز مار و گژدم و زنبور و غُندل
از آن همسایه های در به دیوار
به امن و امنیت و باز سازی
به مانند پلانِ بی وزارت
ز تبعیض و دورنگی و تغافل
به راه وحدت و صلح و تسلسل
درین راهِ فلاح و رستگاری
وطن سر تا قدم جنت نشان است
گل و سُنبل به باغ و دشت و دامن
اگر خواهی به میهن استقامت
و یا در مجلسِ شورایِ ملی
به خواب خوش به اوج آسمان ها
کمال آرزو در کهکشان است
به آقای انان* از من بگوئید

ز احوالش خبر داری نداری؟
شکایت سر به سر داری نداری؟
خدا داند ضرر داری نداری؟
به روز و شب خطر داری نداری؟
توجه بیشتر داری نداری؟
درین دُنیا دگر داری نداری؟
عزیز من حذر داری نداری؟
تلاش پُر ثمر داری نداری؟
نهال مُستقر داری نداری؟
دُر و لعل و گُهر داری نداری؟
به هر کوه و کمر داری نداری؟
توان و زور و زر داری نداری؟
وکیلِ مُعتبر داری نداری؟
گاهی سیر و سفر داری نداری؟
سفر دور قمر داری نداری؟
که پروای بشر داری نداری؟

سراسر در جهان جنگ و جدال است دواي دردِ سراسر داری نداری؟
تو هم {ناظم} ز رویِ آدمیت
غمِ شام و سحر داری نداری؟

* - این پارچه شعر وقتی سروده شد، که "کوفی آنان" سرمنشی ملل متحد بود.